

نقش راهبردی مقام معظم رهبری در ناکام گذاردن وقایع

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸

جواد دهقانی*

مصطفی ملکوتیان**

چکیده

عرصه انتخابات یکی از مجاری مورد توجه دشمنان نظام اسلامی ایران برای مقابله با جمهوری اسلامی بوده است و در هر دوره‌ای با درک شرایط آن برهه و با یک سناریوی خاص، درصدد نیل به اهداف خود بوده‌اند. در این بین انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ یکی از مهم‌ترین عرصه‌های سیاسی تاریخ جمهوری اسلامی است که مخالفان داخلی و خارجی، تمام عزم خود را جزم کرده بودند تا طومار نظام را در هم پیچیده و رؤیای سی‌ساله خود را جامه عمل بپوشانند. این مقاله با تشریح روند اقدامات معارضان نظام در دو برهه قبل و بعد از انتخابات، درصدد اثبات این فرضیه بوده که این اقدامات و حوادث، به‌رغم معضلات و مشکلاتی که طی چند ماه بعد از انتخابات برای جمهوری اسلامی ایجاد نمود، اما نظام اسلامی توانست تحت زعامت و تدابیر رهبر انقلاب و راهبردهای حکیمانه ایشان در برابر معترضین و معاندین نظام، بر این وقایع سهمگین فائق آید.

واژگان کلیدی

انتخابات، رهبری، راهبرد، فتنه، ریاست جمهوری.

طرح مسئله

حوادث پس از انتخابات سال ۸۸، یکی از پیچیده‌ترین سناریوهایی بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی علیه

dehghani65@gmail.com

mmalakot@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۲۲

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی.

** استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲۰

موجودیت نظام اسلامی به روی پرده رفت. شاید در ابتدای امر، این موضوع به ذهن متبادر گردد که جنگ تحمیلی هشت ساله، مهم‌ترین و اصلی‌ترین پروژه دشمن برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی بوده است؛ اما باید گفت در جریان جنگ تحمیلی، مرز دوست و دشمن کاملاً مشخص بود. یک کشور خارجی تحت حمایت صریح قدرت‌های بزرگ، تمامیت ارضی و ایمان ملت را نشانه رفته بود و هر ایرانی از هر قوم و زبان و مذهبی، نسبت به تکلیف خود واقف بودند. اما حوادث سال ۸۸ وضع دیگری بود. جنگ، نه جنگ کفر و ایمان صریح، که نبرد بین ایمان و نفاق بود. حوادث سال ۸۸ در چارچوب منطق دینی به تعبیر امیرالمؤمنین (علیه السلام) یک فتنه بود که مقام معظم رهبری این واژه را چنین تشریح نمودند:

فتنه معنایش این است که یک عده بیایند با ظاهر دوست و باطن دشمن وارد میدان شوند. فضا را غبارآلود کنند. در این فضای غبارآلود، دشمن صریح بتواند چهره خودش را پنهان کند؛ وارد میدان شود؛ و ضربه بزند. (بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم قم، ۸۹/۱۱/۲۷)

آن وقایع در منطق علم سیاست، یک انقلاب رنگی و مخملی با بهره‌گیری از استراتژی جنگ نرم بود. انقلاب مخملی در حقیقت ترکیبی از دو روش انقلاب و اصلاح می‌باشد. از یک طرف به دنبال تغییرات ساختاری و به صحنه کشاندن مردم می‌باشد؛ که این یکی از ویژگی‌های انقلاب کلاسیک به‌شمار می‌رود و از طرف دیگر چون به دنبال جابجایی قدرت به صورت مسالمت‌آمیز و بدون خشونت می‌باشد، جزء ویژگی حرکت‌های اصلاحی است. این‌گونه تغییرات معمولاً و در اعتراض به اجرای انتخابات آغاز می‌شود و طرف بازنده با به صحنه آوردن حامیان خود در قالب راهپیمایی اعتراض‌آمیز و پشتیبانی رسانه‌ای غرب، به صورت اعمال فشار به تصمیم‌گیرندگان، آنها را وادار به ابطال انتخابات کرده و پس از برگزاری مجدد، آن هم با نظارت بین‌المللی (غربی‌ها)، طرف‌داران غرب با یک حرکت به اصطلاح قانونی به قدرت می‌رسند. (صفرپور، ۱۳۸۹: ۱۰) زمینه اصلی شکل‌گیری این انقلاب‌ها، ایجاد جنگ روانی جهت تغییر ذهنیت افراد یک کشور و دگرگون کردن ارزش‌ها و باورهای این افراد است. (عرشیان، ۱۳۸۹: ۹۳)

مبانی نظری

واژه راهبرد یا استراتژی در ابتدا فقط در زمینه امور نظامی به کار برده می‌شد و قدیمی‌ترین تعریفی که از آن می‌توان یافت این است که استراتژی عبارت است از هنر فرماندهان در زمینه تدابیر و حیطه‌های نظامی و فرماندهی جنگ. (عزتی، ۱۳۷۳: ۱۰) در مجموع برای مفهوم راهبرد، تعاریف مختلفی ارائه شده است که برخی از این تعاریف عبارتند از: استراتژی در زبان یونانی به معنای سرداری یا سپهسالاری، در اصل اصطلاحی است نظامی به معنای سنجیدن وضع خود و حریف و طرح نقشه برای روبه‌رو شدن با حریف در مناسب‌ترین وضع. در سیاست به معنای بسیج همه امکانات و تغییر دادن شرایط در جهت مناسب برای رسیدن به یک هدف

اساسی است. (آشوری، ۱۳۷۳: ۲۶) استراتژی، رسالت‌ها، خط‌مشی‌ها و مطلوب‌ترین راه تحقق هدف‌ها با سه ویژگی دورنگری، فراگیرنگری و تحول‌گرایی است. (میرسپاسی، ۱۳۷۱: ۳۷)

برخی از صاحب‌نظران اهداف راهبردی از بخشی از راهبرد می‌دانند و معتقدند که راهبرد از سه عنصر اهداف، راه‌ها و ابزارها تشکیل می‌شود. (ازغندی و روشندل، ۱۳۷۹: ۶) درحالی‌که عده‌ای دیگر معتقدند که هدف، بیانیه‌ای از نتایج مطلوب سازمان در یک مقطع زمانی مشخص جهت اجرای مأموریت سازمان می‌باشد و همواره هدف نسبت به راهبرد، از ثبات بیشتری برخوردار است و بر آن سبقت دارد و جایگاه مناسب راهبرد پس از هدف می‌باشد و هر دو بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. (ایگورانسف و مک دانل، ۱۳۸۱: ۱۵)

تفکر استراتژیک نظر به آینده دارد. در این تفکر، گذشته به‌طور نقادانه مورد توجه قرار می‌گیرد، مدیرانی که به فضیلت تفکر استراتژیک نائل آمده‌اند در درک روندهای ناپیدای محیطی که تصویر آینده را نسبت به گذشته دگرگون خواهند کرد، مهارت دارند. این تفکر بر تغییرات ناآشنای بدیع تکیه دارد. (ایگورانسف و مک دانل، ۱۳۸۱: ۱۲۷)

تصمیم‌گیری راهبردی، اتخاذ و اجرای تصمیماتی است که نمی‌توانند به صورت مستقل و غیروابسته به محیط و در خلأ انجام بگیرند. تصمیم‌گیری راهبردی فرایندی است که منجر به گزینش و روش اقدام مناسب برای اجرا می‌گردد. الگوی کلی و نظری فرایند تصمیم‌گیری راهبردی، مبتنی بر تعیین هدف یا هدف‌ها، بررسی و تجزیه و تحلیل محیط داخلی و خارجی سازمان، شناسایی و تشخیص مسئله (تهدیدها، فرصت‌ها و روندها) و ارائه راهکارهای ممکن و ارزیابی و انتخاب راهکار مناسب برای اجرا می‌باشد. (دهقانی پوده، ۱۳۷۸: ۸۷)

الگوهای متعددی در امر مدیریت راهبردی مطرح است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: الگوی راهبردی مایلز و اسنو، راهبرد رقابتی پورتر، الگوی SONT (روش‌هاواراد) و الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه که تلاشی جهت ارائه الگوی بومی در بحث مدیریت و رهبری است و به اقتضای اهمیت و به‌عنوان مبنای این پژوهش، به این الگو اشاره می‌گردد.

الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه

فرایند تصمیم‌گیری، متأثر از درک و شناخت مدیر از موضوع تصمیم و نیز شناخت از شرایط محیطی است. از سوی دیگر، مدیران در خلأ تصمیم نمی‌گیرند، بلکه عوامل مختلفی سبک و شیوه تصمیم‌گیری آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد که مهم‌ترین آنها ارزش‌ها و اعتقادات تصمیم‌گیرنده می‌باشد. از این‌رو برای شناخت و تجزیه و تحلیل تصمیمات راهبردی، هر دو بعد باید مورد توجه قرار گیرد. تصمیمات، حلقه اتصال منویات افراد با دنیای عمل هستند و عمل آدمی نشئت گرفته از نحوه نگرش وی و نگرش نیز حاصل ارزش‌ها و باورهای اوست. اساسی‌ترین عاملی که بر تصمیمات فرد اثر می‌گذارد، باورهای وی و سپس شرایط محیطی مسئله و موضوع مورد بررسی است. یعنی تصمیم‌گیری راهبردی مبتنی بر بررسی و تجزیه و تحلیل محیط (داخلی و خارجی) سازمان یا نظام اجتماعی، شناسایی و تشخیص مسئله (تهدیدات، فرصت‌ها و روندها)،

تعیین اهداف و ارائه راهبردهای ممکن و ارزیابی و انتخاب راهبرد مناسب برای اجرا می‌باشد. به لحاظ تأثیر باورها، تصمیم‌گیری حکیمانه، فرایندی است در چارچوب جهان‌بینی توحیدی و مفروضات منبعث از آن، که تصمیم‌گیرنده در پی تدبیر امور فردی و اجتماعی خویش، با بهره‌گیری از دانش و هنر مدیریت، همراه با استفاده از اصول و مبانی اعتقادی خویش است. او از این اصول به‌عنوان تعیین‌کننده سمت و سوی آرمانی (حقیقت‌گرایی) و تنظیم‌کننده تدابیر و مواضع تصمیم‌گیرنده از یک‌سو و در نظر گرفتن شرایط حاکم بر موضوع (شناخت عوامل داخلی و محیطی) به‌عنوان پایه واقع‌گرایی از سوی دیگر، تصمیمات و تدابیر خود را اتخاذ می‌کند. در این فرایند هر اندازه درک از اصول و مبانی و پایبندی و التزام به آن عمیق‌تر و شناخت از شرایط و مقتضیات موضوع به واقعیت نزدیک‌تر و آشنایی و مهارت بهره‌گیری از علوم و فنون مدیریت ناظر به عوالم وجودی انسان و هستی افزون‌تر باشد؛ تصمیمات و تدابیر حکیمانه‌تر، کم هزینه‌تر و آثار و برکات آن ماندگارتر و بهره‌ورتر خواهد بود. (فروتنی، ۱۳۸۷: ۸۶ - ۸۵) تعدادی از مفروضات اساسی این الگو عبارتند از:

الف) هستی‌شناسی: نظام هستی مخلوق خداوند علیم و حکیم و بر پایه خیر و رحمت و عدل برپاست. این نظام هدف‌مند است و ماهیتی از اویی و به‌سوی اویی دارد که خود آن و هر یک از موجودات آن و اجزا و ساختارهای آن با عنایت و اراده الهی و به فراخور استعداد خود بر اساس قوانین و سنن مشخص، سیر تکاملی خود را طی می‌کنند. نظام هستی در جهت رشد، کمال و خدمت به انسان مختار و مسئول به‌عنوان اشرف مخلوقات خداوندی و مسخر آفریده شده است. منبع تغذیه و ادامه حیات سراسر جهان و موجودات آنکه دارای سلسله‌مراتب و درجات است، فیض الهی است. جهان هستی از دو نظام اساسی غیب و شهود و یا جهان مادی و جهان غیب (ملک و ملکوت) تشکیل می‌شود که در تعامل با یکدیگرند و هر کدام از این دو نظام از ویژگی‌های خاص خود برخوردارند.

ب) انسان‌شناسی: انسان مخلوق خداوند و موجودی هدف‌مند، مختار و مسئول در مقابل او، اشرف مخلوقات و دارای دو بعد مادی و معنوی است که اساس و پایه وجودی‌اش را فطرت الهی تشکیل می‌دهد. این فطرت دارای استعدادهای گوناگون است که برخی مربوط به بعد مادی او و برخی مربوط به بعد معنوی اوست. این دو بعد در تعامل دوسویه با یکدیگر قرار دارند. انسان بر اساس پیمان خود با حضرت حق با مأموریت پرستش کمال مطلق، در مسیر تکاملی و قانونمند خود، استعدادهای الهی خویش را به فعلیت می‌رساند. انسان از خزائن و منابع هستی که نزد حق تعالی است می‌تواند به‌گونه‌ای بهره بگیرد که در به فعلیت رساندن این منابع، مظهر اسماء و جلوه‌های الهی گردد. خزائن هستی نزد حق تعالی از جنس عالم و حیانی است که برای ورود به عالم ماده نیاز به واسطه فیض دارد که این واسطه امام، حجت حق و یا جانشین خداوند بر روی زمین یعنی انسان کامل است.

ج) شناخت‌شناسی: شناخت امکان‌پذیر است، یعنی می‌توان ابعاد وجودی خود و جهان خارج را شناخت.

این شناخت منطبق با واقعیات و بر بدیهیات استوار است. آدمی در پرتو دل مهذب، به یافته‌های خویش جنبه قدسی بخشیده و در ارتباط با عالم وحی به ادراکات اشراقی و وحیانی (علم حضوری) دست می‌یابد. آدمی با تکیه بر شناخت‌های حسی و تجربی نمی‌تواند به یقین (شناخت صدرصد منطبق با واقعیت) دست یابد، بلکه راه دستیابی به یقین، تنها در پیوند با وحی ممکن است. تفاوت در ویژگی‌های ساختار وجودی و کیفیت تربیت و تسلط بر قوای معنوی انسان و درک متفاوت از محیط، منجر به تفاوت درک و شناخت افراد می‌شود.

در یک جمع‌بندی می‌توان ویژگی‌های الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه را چنین برشمرد:

۱. این الگو ساخت‌ها و محیط‌های وسیع‌تری را نسبت به دیگر الگوها برای انسان و نظام مورد مطالعه قائل است و محیط نظام را تنها منحصر در عالم ماده نمی‌داند.

۲. همچنان که ساخت‌های وجودی از دیدگاه این الگو ساخت‌های چندگانه هستند؛ قوانین و ابزارهای حاکم در این عوالم نیز متنوع و مختلف هستند.

۳. با توجه به ساخت‌های وجودی آدمی و ابزارهای مختلف شناخت، انسان ابزارها، منابع و روش‌های بیشتری برای شناخت پیدا می‌کند.

۴. در الگوهای دیگر به سبب محدودیت دیدگاه‌های هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی، تنها به نیازهای مادی و سطح پایین انسان‌ها توجه شده است و به ارضای نیازهایی که به دیگر ابعاد وجودی انسان و جامعه باز می‌گردد، توجهی نشده است.

۵. این الگو برخلاف الگوهای دیگر که بر پایه عقلانیت ابزاری شکل گرفته‌اند، با توجه به عقلانیت ارزشی (جوهری) و با توجه به تعامل این دو و کاربردهای مختص یا مشترک آن دو شکل گرفته است.

۶. این الگو در عین آرمان‌گرایی و ارزش‌گرایی، واقع‌گرایی را نیز از یاد نبرده است. درحالی‌که الگوهای دیگر تنها بر واقع‌گرایی تأکید داشته‌اند.

۷. این الگو متناسب با رشد و تکامل و بلوغ جسمی و روانی انسان‌ها و متناسب با پیچیدگی هر فرد در شرایط مختلف برای همگان قابل استفاده است. (همان: ۱۰۰ - ۹۹)

الف) اقدامات آشوبگران پیش از انتخابات

زمینه‌سازی جنبش به اصطلاح سبز جهت نیل به اهداف خود از طریق انتخابات را می‌توان از ابتدای استقرار دولت نهم دانست که این بسترسازی در ماه‌های منتهی به انتخابات شدت یافت. اهم این اقدامات بدین شرح است:

بحرانی جلوه دادن وضعیت کشور: تلاش برای بحرانی نشان دادن اوضاع کشور به‌طور گسترده از طریق مطبوعات و سایت‌های اصلاح‌طلب و شخصیت‌های وابسته به آنها صورت می‌گرفت و این سیاه‌نمایی‌ها به حدی بود که حتی تعدادی از اصول‌گرایان نیز هم‌سو با آنها، از اوضاع کشور عمیقاً احساس نگرانی می‌کردند.

(هاشمی‌تبار، ۱۳۸۹: ۷۹)

توزیع جزوه‌های مکتوب آموزش انقلاب نرم: از چند ماه پیش از انتخابات دهم ریاست جمهوری، جزوه‌ها و کتاب‌های آموزشی با عنوان «مبارزه بدون خشونت»، «راهنمای انقلاب نرم» به‌طور گسترده به شکل مجازی یا مکتوب در مکان‌هایی مانند خوابگاه‌های دانشجویی توزیع می‌شد. این کتاب‌ها توسط مؤسسه آبرت انیشتین تألیف و ترجمه شده بود و به صورت ساده و به زبان فارسی، به آموزش انواع روش‌هایی که در انقلاب‌های رنگی سال‌های اخیر رخ داده است، می‌پرداختند. (همان)

تشکیل کمیته صیانت از آراء: نفس اعلام تشکیل چنین کمیته‌ای، خود القاکننده تفکرات خاص و حاوی پیام‌های قابل تأملی بود. از جمله: ۱. القای عدم بی‌طرفی مجریان و ناظران انتخابات (مجریان وزارت کشور و ناظران شورای نگهبان)؛ ۲. القای امکان مداخله برخی افراد یا نهادها مثل بسیج و سپاه در شمارش و اعلام نتایج آرا؛ ۳. زمینه‌سازی برای بعد از انتخابات در صورت شکست و توجیه آن و امکان استمرار اعتراض‌ها.^۱

مظلوم‌نمایی: حمایت از مظلوم، یک امر فرهنگی نهادینه شده و جا افتاده در جامعه ایرانی است که در صحنه‌های مختلف و از جمله صحنه سیاست در طول تاریخ، بروز و نمود داشته است و لذا دستاویزی برای برخی سیاستمداران شده است تا راهبرد مظلوم‌نمایی را در راستای نیل به اهداف خود اتخاذ نمایند. همچنان که این سیاست در انتخابات سال ۷۶ مؤثر افتاد؛ در این مقطع نیز با اعلام اینکه همه‌چیز در خدمت و در دست دولت موجود است و از جمله مهم‌ترین وسیله که رسانه ملی باشد، حامی دولت است و امکان تبلیغ گسترده برای دیگر نامزدها نیست، از این حربه بهره کافی و وافی بردند.

طرح دولت وحدت ملی: طرحی بود که شاید اولین بار هفته‌نامه «شهروند امروز» در ۸۷/۵/۱۲ آن را تلاشی از سوی ناطق نوری در دیدار با هاشمی رفسنجانی، سید محمد خاتمی و مهدی کروبی عنوان کرد تا از آن طریق، انتخابات ریاست جمهوری سال آینده را مدیریت و آن را از وضعیت فعلی خارج کنند. این طرح به دلیل تعارض ماهوی با شرایط و عدم امکان پیاده‌سازی، از همان ابتدا عقیم ماند. شاید آنچه که بعداً در قالب طرح دولت ائتلافی محسن رضایی ادامه یافت، صرفاً بازی بزرگان با الفاظی بوده است که همان طرح اولیه دولت وحدت ملی را دنبال می‌کردند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۵۰ - ۴۹)

ترویج شایعه امکان تقلب در انتخابات: تلاش برای ایجاد شبهه در سلامتی انتخابات و زیر سؤال بردن امانت‌داری نظام اسلامی در صیانت از آرای مردم، اقدامی بود که از ماه‌ها قبل از سوی رسانه‌های خارجی و به تبع آن عوامل داخلی‌شان بارها تکرار می‌شد و حتی برخی از شخصیت‌های صاحب‌منصب نظام نیز آگاهانه یا ناآگاهانه جملاتی در خصوص لزوم برگزاری انتخاباتی عاری از هرگونه شبهه تأکید می‌کردند. به‌عنوان مثال یکی از این شخصیت‌ها در مصاحبه‌ای در اردیبهشت ۱۳۸۸ گفته بود:

۱. این کمیته از سوی موسوی و کروبی مطرح گردید و روزنامه اعتماد ملی اعلام کرده بود که کروبی و موسوی شخصاً فعالیت‌های این کمیته را خصوصاً در زمان برگزاری انتخابات دنبال و از تمام اهرم‌های لازم برای «امانت‌داری رأی مردم» استفاده خواهند کرد. (امینی، ۱۳۸۹: ۲۲۶)

الان احساس می‌کنم متأسفانه کسانی پیدا شدند که روزی مؤلفه القلوب بودند و الان متولی شدند و این افراد خود را قیم می‌دانند. شاید افکارشان به آنها می‌گوید که شما می‌توانید به خاطر مصالحی که تشخیص می‌دهید اگر بتوانید در رأی مردم دست ببرید، چون علائمی از این مسائل در بعضی جاها می‌بینم. (امینی، ۱۳۸۹: ۲۲۵)

این مواضع، چنان فراگیر بود که مقام معظم رهبری در بیاناتی گلابیه‌آمیز در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸ فرمودند: «متأسفانه برخی دوستان بی‌انصاف با تکرار حرف دروغ دشمن، سلامت انتخابات را زیر سؤال می‌برند.» (محمدی، ۱۳۹۰: ۳۸)

ب) اقدامات آشوبگران پس از انتخابات

با پایان انتخابات و اعلام نتایج آن و محرز شدن شکست نامزدهای «اصلاح‌طلب»، فاز دوم سناریوی از پیش طراحی شده کلید خورد. برای محقق ساختن فاز دوم، اقداماتی چند صورت گرفت که اهم آنها بدین قرارند:

القای تقلب در انتخابات: در اولین واکنش به نتیجه رأی‌گیری، تجدیدنظرطلبان چنان که از قبل زمینه و اذهان را مهیا کرده بودند، از تقلب در انتخابات به طور گسترده سخن به میان آوردند. از جمله شخص موسوی در بیانیه ۸۸/۳/۲۳ خود، انتخابات را «شعبده‌بازی دست‌اندرکاران انتخابات» دانست و هشدار داد که «تسلیم این صحنه‌آرایی خطرناک نخواهم شد» و نیز «مردم در برابر کسانی که با تقلب روی کار بیایند، تمکین نخواهند کرد.» (هاشمی‌تبار، همان: ۲۲۸ - ۲۲۷) کربوبی نیز در بیانیه ۸۸/۳/۲۴ صریحاً اعلام کرد: «نتایج اعلام شده در این انتخابات نامشروع و دولت برآمده از آن فاقد وجهت ملی و صلاحیت اجتماعی است.» (همان: ۲۳۱) ضمن اینکه تجدیدنظرطلبان داخلی و مخالفان خارجی و رسانه‌های بیگانه ضدانقلاب، این شایعه را در سطح وسیع انتشار می‌دادند.

صدور بیانیه‌های تند سیاسی: در روزها و ماه‌های پس از انتخابات، نامزدهای تجدیدنظرطلب و نیز شخصیت‌ها و تشکل‌های طیف مزبور، بیانیه‌ها و اعلامیه‌های تند سیاسی را علیه مسئولان نظام و به منظور تحریک و تهییج طرف‌داران خود منتشر می‌کردند. طی ماه‌های بعدی سعی می‌شد که انتشار بیانیه‌ها منطبق با مناسبت‌های خاصی صورت گیرد تا نشان دهند که «جنبش» هنوز زنده است؛ مناسبت‌هایی چون ۲۸ مرداد، روز قدس، اول مهر، ۱۳ آبان، ۱۶ آذر، عاشورا و ... که البته تحریکات بعد از حضور حماسی مردم در ۹ دی و ۲۲ بهمن ۸۸ در حد محدود تا اواخر سال ۸۹ ادامه یافت.

استفاده کاریکاتوری از روش‌های انقلاب اسلامی: بهره‌گیری از روش‌های انقلاب اسلامی مانند تکبیرگفتن در بالای بام خانه‌ها، استفاده از مناسبت‌های دینی، گرفتن چهل‌م برای برخی کشته‌ها و ... از دیگر تاکتیک‌های آشوبگران بود؛ اما غافل از اینکه در انقلاب اسلامی، رهبر انقلاب و عموم مردم انقلابی به این باورهای مذهبی، ایمان قلبی داشتند؛ در شرایطی که ایدئولوژی مبارزاتی تجدیدنظرطلبان سکولاریستی است؛

بنابراین وقتی قرار باشد نیروهای سکولار با تقلیدی کاریکاتوری و ناشیانه از انقلاب اسلامی و مناسبت‌های مذهبی، برای مقابله با نظام اسلامی بهره ببرند، نتیجه، چیزی جز وقایع روز عاشورای ۸۸ نخواهد بود. (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۷۵ - ۱۷۴)

پروژه کشته‌سازی: اساساً گفته می‌شود که ایرانیان عموماً انسان‌هایی رقیق‌القلب و احساساتی هستند و به‌شدت متأثر از این حس عمل می‌کنند که این امر سبب شده تا در مقاطعی مورد بهره‌برداری قدرت‌طلبان قرار گیرد. پروژه کشته‌سازی دقیقاً با درک این مطلب جامعه‌شناختی صورت گرفت. آشوبگران در تداوم سیاست مظلوم‌نمایی پیش از انتخابات خود و داغ نگه داشتن تنور اغتشاشات و جلب توجه افکار داخلی و رسانه‌های خارجی، هر از گاهی اقدام به انتشار نام‌هایی می‌کردند که مدعی بودند در این حوادث به دست نظامیان و لباس شخصی‌های طرفدار دولت کشته شده‌اند. نام‌هایی چون ندا آقاسلطان، ترانه موسوی، علیرضا توسلی و سعید پورآقایی از این جمله‌اند.

اردوکشی و تظاهرات‌های غیرقانونی: برگزاری تجمعات خیابانی از جمله اقداماتی بود که هواداران هریک از نامزدها در حمایت از آنها صورت می‌دادند. با پایان انتخابات درحالی که تب ناشی از هیجانات اعلام نتایج و نیز حضور گسترده مردمی در جامعه همچنان داغ بود، سران آشوب به دنبال آن بودند تا با تحریک هواداران خود، مانع از فروکش کردن این هیجانات و احساسات آنها شوند؛ لذا پیایی با صدور بیانیه و سخنرانی، آنها را به حضور در صحنه تا به ثمر نشستن خواسته‌ها و مطالباتشان دعوت می‌کردند.

به نوشته یکی از منابع، پروژه تجدیدنظرطلبان برای دستیابی به اهداف مورد نظرشان از طریق انتخابات شامل سه فاز بود:

الف) فاز جنینی: این فاز دارای سه مرحله و هدف از اجرای آن زمینه‌سازی برای قطب‌بندی جامعه به افراط و اعتدال بود. مراحل سه‌گانه این فاز عبارت است از: ۱. ایجاد کارشکنی در عرصه‌های مختلف برای ناکارآمد ساختن معتقدان به گفتمان انقلاب؛ ۲. بحران‌نمایی و تهدیدنمایی وضعیت کشور و غیرعادی جلوه دادن آن؛ ۳. ایجاد رویگردانی در افکار عمومی از طریق سیاه‌نمایی و کانالیزه نمودن آن به سوی جریان ناجی.

ب) فاز مقدماتی: این فاز با ملاقات‌های پنهانی بعضی از مجریان پروژه جدید با واسطه‌های امنیتی و سیاسی آمریکا در دبی عملیاتی شد و متعاقب آن بنیاد سوروس (طراح پروژه‌های انقلاب رنگی) در سال ۱۳۸۶ عده‌ای از فعالان سیاسی و مطبوعاتی را به آمریکا دعوت کرد. مراحل این فاز را به شرح زیر می‌توان بررسی نمود: ۱. درخواست از برخی کشورهای اروپایی جهت ترغیب آمریکا و صدور قطعنامه سوم در آستانه انتخابات مجلس هشتم؛ ۲. پیاده‌سازی قطب‌بندی اعتدال و افراط در انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی؛ ۳. ورود در حاکمیت و ساماندهی جریان مشابه با جریان ۱۴ مارس لبنان برای ایجاد تعارض و دوگانگی در حاکمیت.

ج) فاز تکمیلی: پیاده‌سازی فرایندهای انقلاب رنگین در گرجستان و اوکراین، فاز تکمیلی پروژه جدید می‌باشد

که به مرحله اجرا منتقل شده است. تشکیک در سلامت انتخابات و القای تقلب در آن، اعلام پیروزی در انتخابات قبل از آغاز آن، زمینه‌سازی برای اعتراض به نتیجه انتخابات، بازی با رنگ‌ها و ... از جمله اجرایی و عملیاتی نمودن فاز تکمیلی می‌باشد. (عرشیان، ۱۳۸۹: ۱۲۶ - ۱۲۵)

تبیین مواضع رهبر معظم انقلاب در قبال انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و حوادث پس از آن
یک. رویکرد رهبری قبل از انتخابات

رهبر معظم انقلاب، چند ماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری، با تبیین شرایط جامعه و فضای سیاسی کشور، با تحلیلی جامع، به تبیین اهمیت انتخابات برای کشور و نیز اهمیت آن در معادلات دشمنان نظام و عناصر داخلی‌شان پرداختند. مواضع ایشان در این برهه در محورهای زیر قابل ارزیابی است:

اهمیت انتخابات: اولین مسئله‌ای که مقام معظم رهبری در ارتباط با انتخابات در ابتدای بیاناتشان بر آن تأکید می‌کردند، اهمیت انتخابات و نفس حضور مردم در پای صندوق‌های رأی بود. مهم‌ترین مسائلی که ایشان بر آن تأکید داشتند را می‌توان چنین برشمرد: ۱. انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایشی نیست. یکی از پایه‌های نظام، انتخابات است. انتخابات سرمایه‌گذاری عظیم ملت ایران است؛ ۲. عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال می‌شوند. ۳. این تصدیق و تأیید و مستحکم کردن نظام جمهوری اسلامی است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در مشهد، ۸۸/۱/۱) ۴. انتخابات یکی از آزمون‌های بزرگ ملت ایران در مقابل چشم دشمنان است؛ به همین جهت روی انتخابات ما حساس‌اند ... ۵. انتخابات آبروی ملی ماست؛ انتخابات یکی از شاخص‌های رشد ملی ماست؛ انتخابات وسیله‌ای برای عزت ملی است. (همان)

آسیب‌شناسی انتخابات: بزرگ‌ترین آسیب و خطری که رهبری در رابطه با انتخابات می‌دیدند؛ زیر سؤال بردن سلامت انتخابات بود.

انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه الهی انتخابات سالمی است. من می‌بینم بعضی‌ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده‌اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ چرا بیخود خدشه می‌کنند؟ مردم را متزلزل می‌کنند؟ (همان)

ایشان سعی داشتند با شفاف‌سازی، یکی از مؤلفه‌های پروژه تقلب‌سازی دشمن را - که القای امکان تقلب، در صورت رأی نیاوردن کاندیدای مورد نظرشان است - خنثی سازند.

این را هم در باب انتخابات به شما عزیزان و همه ملت عزیزمان عرض بکنم؛ درباره موضع رهبری در مورد انتخابات، گمانه‌زنی و شایعه و اینها همیشه بوده و خواهد بود. بنده یک رأی دارم، آن را در صندوق می‌اندازم. به هیچ کس دیگر هم نخواهم گفت که به کی رأی

بدهید، به کی رأی ندهید؛ این تشخیص خود مردم است. بنده گاهی از دولت حمایت می‌کنم، دفاع می‌کنم؛ بعضی سعی می‌کنند برای این کار معنای نادرستی جعل و ابداع کنند. نه، من از دولت‌ها همیشه دفاع می‌کنم؛ منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیرمنصفانه‌ای می‌شود، بیشتر دفاع می‌کنم. من طرفدار اعمال انصافم. حمایت کردن از خدمتگزاران در کشور، وظیفه‌ای است که هم من دارم، هم همه دارند. (همان)

وظایف نامزدها: معظم‌له در این باره در سخنرانی خود در بین زائران حرم امام رضا علیه السلام چنین بیان داشتند:

کسانی که برای انتخابات خود را نامزد می‌کنند، بدانند که انتخابات یک وسیله‌ای است برای بالا بردن توان کشور، برای آبرومند کردن ملت؛ ... مبدا نامزدها در اثنای فعالیت‌های انتخاباتی خودشان جواری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند... خوب، به طور طبیعی هر نامزدی حرفی دارد و حرف مقابل خود را رد می‌کند؛ این رد و ایراد فی‌نفسه اشکالی ندارد؛ اما مشروط بر اینکه تویش بی‌انصافی نباشد، کتمان حقیقت نباشد. (همان)

ایشان همچنین در جمع مردم سنندج در پرهیز دادن برخی نامزدها از اظهارات خلاف واقع فرمودند:

نامزدهای محترم توجه داشته باشند، این همه نسبت خلاف دادن به این و آن، تخریب‌کننده اذهان مردم است؛ واقعیت هم ندارد؛ خلاف واقع هم هست. بنده که از همه این آقایان اوضاع کشور را بیشتر می‌دانم و بهتر خبر دارم، می‌دانم که بسیاری از این مطالبی که درباره وضع کشور و وضع اقتصاد و اینها می‌گویند، خلاف واقع است؛ اشتباه می‌کنند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۲/۲۲)

وظایف مردم: در ارتباط با مردم سه نکته در بیانات رهبری همواره برجسته بود؛ انتخاب فرد اصلح، حضور پرشور در انتخابات و اجتناب طرفداران نامزدها از درگیری.

مردم سعی کنند صالح‌ترین را انتخاب کنند. آن کسانی که نامزد ریاست جمهوری می‌شوند و در شورای نگهبان صلاحیت آنها زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد و شورای نگهبان صلاحیت آنها را اعلام می‌کند، اینها همه‌شان صالحند. اما مهم این است که شما در بین این افراد صالح، بگردید و صالح‌ترین را پیدا کنید. اینجا جایی نیست که من و شما بتوانیم به حداقل اکتفا کنیم. (همان)

من به شما عرض می‌کنم هر کسی به استحکام این نظام علاقه‌مند است، هر که به اسلام علاقه‌مند است، هر که به ملت ایران علاقه‌مند است، برای او عقلاً و شرعاً واجب است که در این انتخابات شرکت کند. هر کدام از نامزدهای محترم هم طرف‌دارانی دارند. بعضی‌ها از این طرف‌داران متعصب هم هستند، خیلی علاقه‌مند سرسختند به آن نامزد خودشان. خیلی خوب، اما مواظب باشید که این علاقه‌مندی‌ها به اصطکاک و اغتشاش نینجامد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۳/۱۴)

در چارچوب الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه، تشریح اهمیت انتخابات و آسیب‌شناسی فضای سیاسی کشور پیش از انتخابات و نیز رد اظهارات برخی نامزدها در خصوص وضع کشور و اوضاع اقتصادی موجود و غیرواقعی‌بینانه دانستن چنین مواضعی، حاکی از اشراف رهبری انقلاب بر شرایط محیطی و فضای سیاسی

حاکم بر جامعه بود. تعابیری همچون مواضع بی طرفانه رهبری نظام، تذکر احتراز از کتمان حقیقت و رعایت انصاف، انتخاب افراد اصلح و بیان اینکه انتخابات به حول و قوه الهی انتخابات سالمی خواهد بود، همگی حاکی از تأثیر باورهای اعتقادی و دینی در تحلیل مسائل سیاسی می باشد؛ چراکه این تعابیر ارزش های والایی در نظام اعتقادی اسلامی هستند که می توان شواهد کثیری از آیات و روایات را در تأیید آنها در متون دینی یافت. بیان وجوب شرکت در انتخابات نیز بیانگر آن است که ایشان به عنوان یک رهبری دینی برخلاف تصور رایج در جهان امروز، انتخابات را نه صرفاً سازوکاری برای انتخاب مقامات سیاسی، بلکه آن را در راستای مصالح دین اسلام و مسلمانان و نظام اسلامی می دانند. چنان که ایشان در جایی فرموده بودند:

در منطق اسلامی، قدرت، عزت، آبرو، خوشنامی و امکانات، فقط و فقط برای خدمت به مردم و حرکت دادن خود، جامعه و کشور در راه نظام مقدس اسلامی و رسیدن به آرمان های بلندی است که انسان ها نیازمند آنند. (موسوی مقدم، ۱۳۹۲: ۵۶)

دو. مدیریت مقام معظم رهبری پس از انتخابات

۱. تدابیر رهبری از فردای انتخابات تا نماز جمعه ۸۸/۳/۲۹

حفظ جریان غیرپیروز در چارچوب نظام و جلوگیری از شکسته شدن مرزهای قانونی جمهوریت توسط آنها و درضمن هشدار نسبت به تحركات دشمنان برای زدودن شیرینی این رویداد بزرگ، محوری ترین تلاش رهبر معظم انقلاب در این مقطع زمانی است که در این راستا اقدامات زیر را انجام دادند:

دادن پیام خصوصی در اولین روز بعد از انتخابات: ایشان با مشاهده تحركات تشنجی، از همان آغاز کلید این حرکات را در دست برخی اشخاص می دانستند. لذا با دادن پیام خصوصی در جهت رفع آن برآمدند.

به همین حضراتی که صحنه گردان این قضایا هستند؛ آن ساعات اول من به آنها پیغام خصوصی دادم. من اگر یک وقتی توی نماز جمعه یک حرفی می زنم، این ابتدا به ساکن نیست؛ پیغام خصوصی، نصیحت لازم انجام می گیرد. وقتی انسان ناچار می شود یک حرفی را می آورد در علن بیان می کند. من گفتم این را شما دارید شروع می کنید، اما نمی توانید تا آخر کنترل کنید؛ می آیند دیگران سوءاستفاده می کنند. حالا دیدید آمدند سوءاستفاده کردند. مرگ بر اسرائیل را خط زدند! مرگ بر آمریکا را خط زدند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۸/۶)

ملاقات حضوری با موسوی: رهبر انقلاب میرحسین موسوی را که با اعتراضات گسترده و بیانیه های خود در حال سوق دادن جامعه به سمت اغتشاش و بی ثباتی بود، به حضور پذیرفت. ایشان در این دیدار ضمن تأکید بر پیگیری مسائل از طریق مراجع قانونی، با اشاره به برخی تحریکات دشمن و برخی طراحی های پشت صحنه برای به آشوب کشاندن خیابان ها، به موسوی فرمودند: «جنس شما با این گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید». (کاو، ۱۳۸۸: ۴۳)

دیدار با اعضای ستاد کاندیداهای انتخابات در ۲۶ خرداد: از دیگر ابتکارات رهبری که در عین حال حاکی از

انعطاف نظام ولایی در مواجهه با مسائل سیاسی است، به حضور پذیرفتن اعضای ستادهای نامزدهای انتخابات بود. ایشان در این دیدار، با بیان اینکه رأی به هرکدام از نامزدها، رأی به اصل نظام است و نیز لزوم تن دادن به رأی اکثریت، تأکید کردند ممکن است کسانی اشکالات و اعتراضاتی را بر مجاری گوناگون امور در انتخابات داشته باشند که البته راه‌های قانونی وجود دارد. رسیدگی به اینها حتماً باید انجام بگیرد ... چنانچه بعضی از اشکالات مقتضی این هست که پاره‌ای از صندوق‌ها بازشماری بشود، اشکالی ندارد.

خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ خرداد: در سیره مدیریتی مقام معظم رهبری، بهره‌گیری از جایگاه نماز جمعه در روشنگری مسائل سیاسی و نیز نشان دادن مشی و رویکرد نظام در مواجهه با وقایع آینده، از اصول مورد اتکای ایشان بوده است که می‌توان این سبک مدیریتی را «مدیریت مبتنی بر استعانت بالصبر والصلوة» نام نهاد. ایشان در مدیریت حوادث پس از انتخابات سال ۸۸ تا قبل از نماز جمعه تهران با اتخاذ برخی اقدامات، چنان‌که اشاره شد، با سعه صدر و نشان دادن انعطاف، سعی در حفظ همه مردم و نخبگان سیاسی در دایره نظام نمودند. در خطبه‌های نماز جمعه نیز رهبری ضمن اینکه همچنان محور اصلی سخنانشان نگه داشتن جریان مغلوب در چارچوب نظام بود، با برشمردن سوابق مثبت نامزدهای مغلوب در گذشته و تأکید بر لزوم پایبندی به قانون و دعوت به برادری، چنین بیان داشتند:

جشن پیروزی چهل میلیونی را این برادران، گرامی بدانند و نگذارند دشمن این جشن را خراب کند. البته اگر کسانی بخواهند راه دیگری را انتخاب بکنند، آنوقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریح‌تر از این صحبت خواهم کرد.

۲. مدیریت مقام معظم رهبری پس از نماز جمعه

اقناع با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قانونی: رهبر انقلاب برای متقاعد کردن جریان معترض به نتایج انتخابات، با تمدید مهلت رسیدگی به شکایات موافقت کردند و شورای نگهبان نیز در این فرصت اشخاصی مانند افتخار جهرمی، رحیمیان، ابوترابی، ولایتی، حدادعادل و دری نجف‌آبادی را در بازشماری آرا به ترکیب خود اضافه کرد. (امینی، همان: ۳۱۰)

تلاش برای جدا نمودن مغلوبین انتخابات از اغتشاشگران: با ادامه یافتن اقدامات ساختارشکنانه، مقام معظم رهبری بر فصل‌الخطاب بودن قانون تأکید و در بیاناتی فرمودند:

آن کسانی که نامزدشان رأی نیاورده، طبیعی است افسرده باشند، اوقاتشان تلخ باشد؛ اما این معنایش اغتشاش نیست؛ اینها اغتشاشگر نیستند. اغتشاشگر یک عده معدودی هستند ... این را هم باید همه توجه داشته باشند مبادا دشمن را با دوست اشتباه بکنیم. دوست را به خاطر یک خطا به جای دشمن بگیریم و از آن طرف یک عده‌ای هم دشمن خونی و معاند را دوست فرض کنند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۴/۱۵)

تشریح اصول انقلاب در جهت منفعل نمودن تجدیدنظرطلبان: نظر به اینکه جریان تجدیدنظرطلب سعی می‌کرد تا

با ادعای پای‌بندی خود به اصول انقلاب، با حفظ پیروان خود در صحنه، مطالبات نامشروع خود را دنبال نماید، رهبر انقلاب با درک این حربه به مقابله با آن پرداختند:

انتقاد باید در چارچوب اصول باشد. اصول انقلاب هم مشخص است. اصول انقلاب امور سلیقه‌ای نیست که هر که از یک گوشه‌ای در بیاید، سنگ اصول را به سینه بزند، بعد که سراغ این اصول می‌رویم، می‌بینیم بیگانه از انقلاب است. اصول انقلاب، اسلام است؛ قانون اساسی است؛ رهنمودهای امام است؛ سیاست‌های کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۶/۲۰)

فتنه، ماهیت حوادث پس از انتخابات: ادامه اعتراضات از سوی تجدیدنظرطلبان و سوء استفاده از تسامح نظام در برابر آنها و فراهم نمودن بستر مناسب برای دشمنان، موجب شد که رهبر انقلاب عنوان فتنه را بر حوادث پس از انتخابات اطلاق نمایند.

اینها ایجاد فتنه می‌کند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود می‌کند. شعار طرف‌داری از قانون می‌دهند، عمل صریحاً برخلاف قانون انجام می‌دهند. شعار طرف‌داری از امام می‌دهند، بعد کاری می‌کنند که در عرصه طرف‌داران آنها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۹/۲۲)

فتنه معنایش این است که یک عده‌ای بیایند با ظاهر دوست و باطن دشمن وارد میدان شوند، فضا را غبارآلود کنند. در این فضای غبارآلود، دشمن صریح بتواند چهره خودش را پنهان کند، وارد میدان شود و ضربه بزند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۱۰/۲۹)

ج) آشکار گشتن ماهیت جریان نفاق و خلق حماسه ۹ دی ۱۳۸۸

رهبر معظم انقلاب که از ماه‌ها قبل از انتخابات با فراست و بینش عمیق خود، دستان دشمن برای بهره‌برداری از انتخابات جهت ضربه زدن به جمهوری اسلامی را می‌دیدند، سعی نمودند تا با بیانات خود، جامعه را نسبت به این مسئله آگاه سازند. پس از انتخابات، معظم‌له فضای سیاسی را مدیریت و تلاش کردند تا با ارائه شاخص‌ها و معیارها، مردم را به لحاظ قدرت تحلیل مسائل، به سطحی از آگاهی برسانند تا با تحت نظر گرفتن رویه آتی فتنه‌گران، مواضع مقتضی را در پیش گیرند. حماسه ۹ دی تبلور این راهبرد چندین ماهه رهبری بود. مردم که به تبع ولی خود در برابر خدشه‌دار شدن پیاپی ارزش‌ها و اصول فکری و عقیدتی خود صبر پیشه کرده بودند، امیدوار بودند تا فتنه‌گران با ابراز انزجار خود از گذشته و نیز گروه‌های معاند، به دامن ملت بازگردند. اما هنگامی که این تجاسر و گستاخی تا جایی پیش رفت که به ساحت مقدس امام حسین علیه السلام نیز اهانت گردید، با ورود گسترده و اجتماع میلیونی، حجت را بر آشوبگران تمام نمودند. این خروش ملی در بیانات رهبر انقلاب چنین تجلی یافت:

حرکت عظیم روز چهارشنبه نهم دی ماه حجت را بر همه تمام کرد. مسئولین قوه مجریه، مسئولین قوه مقننه، مسئولین قوه قضائیه، دستگاه‌های گوناگون، همه می‌دانند که مردم در صحنه‌اند و چه می‌خواهند. دستگاه‌ها باید وظایفشان را انجام دهند؛ هم در مقابل آدم مفسد و اغتشاشگر و ضدانقلاب و ضدامنیت و اینها، هم در زمینه اداره کشور. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۱۰/۱۹)

از این پس رهبر معظم انقلاب سعی نمودند تا ابعاد بیشتری از این حوادث را برای مردم تشریح نمایند. ایشان ماهیت فتنه چند ماهه ۸۸ را در چارچوب جنگ نرم دشمن علیه ایران اسلامی تحلیل نمودند:

چالش عظیمی بود؛ دشمن از آن طرف حمایت کند، کمک سیاسی بکند، اسم بیاورد - دشمن از فتنه‌گران اسم بیاورد - ملت ایران از این طرف با استحکام کامل در صحنه باشد. همان‌طور که ملت ایران در جنگ تحمیلی هشت سال از خود شجاعت نشان داد، فداکاری نشان داد، در همه صحنه‌ها حاضر شد، در این جنگ نرم هم هشت ماه ملت ایران حقیقتاً از خود مهارت نشان داد. (همان)

از نظر رهبر معظم انقلاب رمز پیروزی در این جنگ که همواره به اشکال مختلف بر جمهوری اسلامی تحمیل گشته و در آینده نیز این روند ادامه خواهد داشت، داشتن بصیرت و داشتن ایمان معنوی است.

هر جایی که ما توانستیم درست بفهمیم، درست تشخیص بدهیم - یعنی همان بصیرت - و به دنبال آن احساس تکلیف کردیم، احساس تعهد و مسئولیت کردیم و وارد میدان شدیم، غلبه با ما بوده است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۹/۱۰/۱۹)

در جمع‌بندی مطالب فوق در چارچوب الگوی تصمیم‌گیری حکیمانه، می‌توان چنین اظهار داشت که مقام معظم رهبری به‌عنوان یک رهبر دینی و ملهم از انگاره‌های اسلامی، سعی‌شان بر آن بود تا با پذیرش نامزدهای مغلوب و دل‌گرمی دادن به آنها با قول پی‌گیری اعتراضات و خواسته‌های مورد مطالبه آنها از طریق مجاری مشروع، از آنها دلجویی کرده و مانع از خروج آنها از دامن نظام اسلامی گردند. تمجید از گذشته نامزدهای مغلوب و دعوت آنها به برادری در خطبه‌های نماز جمعه بعد دیگری از رهبری حکیمانه مقام معظم رهبری و تبلور باورهای اعتقادی ایشان می‌باشد. هشدار ایشان در خصوص نتایج تداوم اعتراضات و خارج شدن کنترل این روند از دست آنها و امکان سوء استفاده دشمن از آن، نشان‌دهنده شناخت ایشان بر موضوع و نیز شرایط حاکم بر فضای سیاسی جامعه در آن برهه زمانی است.

هنگامی که کاندیداهای معترض بر خواسته‌های نامشروع خود ابرام و اصرار نمودند و فضای جامعه را متشنج ساختند و در پی تحریک مردم و شورانیدن آنها با عطف به سوابق خود در گذشته برآمدند، رهبری انقلاب متأثر از جهان‌بینی دینی خود فضایی را که در آن مقطع بر جامعه حاکم گردیده بود فتنه نامیده و سپس با تشریح آن فضا و نیز اصول انقلاب اسلامی، به‌مثابه یک عالم و رهبر دینی در راستای آگاهی بخشی به مردم و به تعبیر ایشان بصیرت‌دهی که جلوه دیگری از نمود یافتن آموزه‌های دینی در تعابیر معظم‌له است، سعی

نمودند تا با خنثی نمودن حرکت معترضین که اکنون در موضع معارض نظام قرار گرفته بودند، مانع از فریب بخش‌هایی از جامعه و متشنج شدن کشور و سوق یافتن نظام به ورطه بحرانی عمیق گردند. چنین راهبرد حکیمانه‌ای از سوی ایشان نتایج مهمی برای نظام اسلامی به دنبال داشت که در ادامه مهم‌ترین آنها بیان می‌گردد.

د) نتایج مدیریت مقام معظم رهبری در حوادث بعد از انتخابات

در این رابطه موارد زیر قابل ذکر است:

۱. اقتدار مردمی و معنوی انقلاب و رهبری: یکی از اهداف به‌وجودآوردندگان حوادث بعد از انتخابات، تضعیف پایگاه مردمی انقلاب و نظام بود که برخی نیز در داخل و خارج احساس کردند این امر اتفاق افتاده است. حادثه عظیم ۹ دی و راهپیمایی ۲۲ بهمن، پس از ماه‌ها مظلومیت انقلاب و رهبری و جنگ روانی سنگین تبلیغاتی و رسانه‌ای همراه با دروغ و تهمت، توانست سیمای مقتدر نظام اسلامی و پایگاه عظیم مردمی و اعتماد ملت به انقلاب و مقام معظم رهبری را به نمایش بگذارد.

۲. انزوای سیاسی و مردمی جریان فتنه: راهپیمایی عظیم ملت ایران در روز ۹ دی و راهپیمایی ۲۲ بهمن بعد از ۸ ماه فتنه‌گری، موجب شد جریان فتنه و عناصر کلیدی آن در حوزه سیاسی و حاکمیت و مهم‌تر از آن، از نظر پایگاه اجتماعی و مردمی منزوی و آنهایی که می‌خواستند با ابزار ظرفیت‌های اجتماعی مانند تجمع و راهپیمایی، نظام و انقلاب و رهبری را در بین مردم بی‌اعتبار کنند، در بین ملت ایران بی‌اعتبار شوند.

۳. انسجام بیشتر بین مردم از یک‌سو و بین مردم و نظام از سوی دیگر: ایجاد شکاف بین بخش‌ها و طبقات گوناگون مردم و قرار دادن مردم رودرروی یکدیگر و نظام و رهبری، از محوری‌ترین اهداف استکبار بود؛ اما راهپیمایی ۹ دی و ۲۲ بهمن که با تنوع حضور اقشار مردم همراه و در مواضع و شعارها به نفع نظام و انقلاب نیز کاملاً یکدست و منسجم بود، نمایش روشنی از انسجام درونی کشور بود.

۴. افزایش جایگاه و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران: از جمله موارد آسیب‌دیده در جریان حوادث بعد از انتخابات، موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی بود که در راهپیمایی ۹ دی و راهپیمایی بی‌نظیر ۲۲ بهمن تا حد زیادی ترمیم شد. (امینی، ۱۳۸۹: ۳۲۸ - ۳۲۷)

۵. درک لزوم موضع‌گیری هماهنگ با رهبری در شرایط بحرانی از سوی خواص: در جریان وقایع بعد از انتخابات، به‌رغم اینکه مقام معظم رهبری با ارائه تحلیل‌های مدبرانه، افکار عمومی جامعه را نسبت به ماهیت مسائل و رویدادها تنویر داده و تأکید داشتند که باید در قبال مسائل شفافیت داشته باشند، برخی از خواص جبهه خودی، باز هم در مواضع خود نسبت به این تحرکات ساختارشکنانه شفافیت نداشتند و بر اساس برخی تحلیل‌های خود، امکان بهره‌برداری جریان نفاق را فراهم می‌آوردند. اما پس از چند ماه کش و قوس و آشکار شدن پشت پرده حوادث، خواصی که در قبال این حوادث موضعی شفاف اتخاذ نکرده بودند، دریافتند که راه مصون ماندن از تبعات شرایط بحرانی، کسب بصیرت و توجه به تحلیل‌ها و ارشادات رهبری معظم انقلاب است.

نتیجه

از ماه‌ها پیش از شروع انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ در ایران، شواهد و نشانه‌هایی از تمرکز دشمنان انقلاب در داخل و خارج برای بهره‌برداری از پتانسیل انتخابات جهت نیل به اهداف موردنظر خود در صحنه سیاسی کشور آشکار بود. با توجه به اینکه اذهان ملت هدف این پروژه براندازانه بود، رهبر معظم انقلاب با درک این موضوع، در چارچوب راهبرد حکیمانه، از همان ابتدا در بیانات و سخنرانی‌های خود با هشدار نسبت به این مسئله، درصدد خنثی‌سازی این پروژه برآمدند. ایشان ضمن وقوف به اینکه در کنار دشمنان خارجی نظام و نیز عناصر داخلی آن‌ها، برخی خواص نیز ناآگاهانه آب در آسیاب دشمن می‌ریزند، محور دیگر راهبرد خود را آگاهی بخشی به این قشر مؤثر نظام قرار دادند. پس از اعلام نتایج انتخابات و اعتراض برخی از نامزدهای مغلوب، راهبردهای حکیمانه مقام معظم رهبری متناسب با شرایط حاکم بر جامعه اتخاذ گردید. در این برهه، بر اساس انعطاف نظام ولایی و مردم‌سالاری دینی و بر اساس رویه اعتقادی جذب حداکثری و دفع حداقلی با پذیرش حضوری نامزدها و نیز اعضای ستاد آنها، درصدد رفع بحران برآمدند. به‌رغم این انعطاف و نرمش، باز هم اعتراضات و مطالبات غیرقانونی ادامه یافت. از این زمان به بعد، رهبر انقلاب با مخاطب قرار دادن ملت، سعی در تنویر اذهان عمومی جامعه برای ممانعت از افتادن در دام فتنه‌گران نمودند و با دادن آگاهی و نیز ارائه شاخص‌های تمیز حق و باطل در جو غبارآلود فتنه، ملت را برای نشان دادن عکس‌العمل، متناسب با شرایط در قبال بحران آماده نمودند. مردم نیز که تحت لوای رهنمودهای رهبری اقدامات معترضان را تحت نظر داشتند، با آشکار گشتن ماهیت اصلی معاندان نظام، در لحظه لازم وارد عرصه شدند و با خلق حماسه ۹ دی، به ماه‌ها مانور و امیدواری دشمنان پایان دادند.

منابع و مأخذ

۱. آشوری، داریوش، ۱۳۷۳، *دانشنامه سیاسی*، ویرایش ۲، تهران، مروارید.
۲. ازغندی علیرضا و جلیل روشندل، ۱۳۷۹، *مسائل نظامی و استراتژیک معاصر*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۳. اسماعیلی، حمیدرضا، ۱۳۹۰، *شورش اشرافیت بر جمهوریت*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. امینی، پرویز، ۱۳۸۹ *جامعه‌شناسی ۲۲ خرداد*، دهمین دوره *انتخابات ریاست جمهوری در آینه واقعیت*، مشهد، آفتاب توسعه.
۵. ایگورانسف، اچ و ادواردجی مک دانل، ۱۳۸۱، *استقرار مدیریت استراتژیک*، ج ۱، ترجمه عبدالله زندیه.
۶. بوفر آندره، ۱۳۶۶، *استراتژی اقدام*، ترجمه مسعود کشاورز، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (www.khamenei.ir)

۸. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، گذر از فتنه ۸۸ (تحلیل و بررسی دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن)، قم، اعتدال.
۹. دهقانی پوده، حسین، ۱۳۷۸، طراحی و تبیین مدل فرایند تصمیم‌گیری استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پایان‌نامه دکتری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
۱۰. سخنرانی مقام معظم رهبری در تاریخ‌های ۸۸/۱/۱؛ ۸۸/۲/۲۲؛ ۸۸/۳/۱۴؛ ۸۸/۴/۱۵؛ ۸۸/۶/۲۰؛ ۸۸/۸/۶؛ ۸۸/۹/۲۲؛ ۸۸/۱۰/۱۹ و ۸۸/۱۰/۲۹.
۱۱. صفرپور، علیرضا، ۱۳۸۹، انقلاب مخملی و انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، قم، زینی.
۱۲. عرشیان، ابوذر، ۱۳۸۹، فتنه عمیق، قم، اعتدال.
۱۳. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۷۳، ژئواستراتژی، تهران، سمت.
۱۴. فروتنی، زهرا، ۱۳۸۷، مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک امام خمینی، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵. کاوه، محمدسعید، ۱۳۸۸، شنبه پس از انتخابات، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. محمدی، منوچهر و مسعود معینی‌پور، «اصول حاکم بر سبک مدیریت رهبر انقلاب اسلامی در کنترل و مهار وقایع انتخابات ۱۳۸۸»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، زمستان ۱۳۹۰، سال اول، شماره ۱، ص ۵۵ - ۳۹.
۱۷. موسوی مقدم، سید رحمت‌الله، «آموزه‌های راهبردی دین در سلامت انتخابات بر اساس آراء امام راحل و مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۹۲، سال دهم، شماره ۳۲، ص ۶۰ - ۴۲.
۱۸. میرسپاسی، ناصر، ۱۳۷۱، مدیریت منابع انسانی و روابط کار، اصفهان، نقش جهان، چ ۱۰.
۱۹. هاشمی تبار، سیدموسی و دیگران، ۱۳۸۹، انتخابات دهم، ویژگی‌ها، سناریوها و دستاوردها، تهران، ساحل اندیشه.
۲۰. روزنامه اعتماد: ۱۳۸۸/۳/۲۱.
۲۱. روزنامه آفتاب یزد: ۱۳۸۸/۳/۲۳.
۲۲. سایت خبری رجانیوز: ۸۸/۴/۲۷ (www.rajanews.com)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی